

پیشوندهای فعلی در تالشی

علی رفیعی جیردهی (دانشگاه گیلان)

چکیده: پیشوندهای فعلی در تالشی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. یکی از این ویژگی‌ها تجمع آنها در یک دایره است، در عین حال که از لحاظ مفهوم با یکدیگر اختلاف دارند. این خصوصیت به حدی بارز است که در ذهن تالشی‌های ناآگاه یا اندکی آگاه از قواعد زبان نیز تداعی می‌شود و اگر محقق ذهن‌گوشور را به نمونه‌ای از آن هدایت کند، او به سهولت می‌تواند نمونه‌های دیگری نیز بیان کند. این ویژگی را نباید تنها به مهارت‌گوشور نسبت داد، بلکه باید بیشتر با ساختار این پیشوندها مرتبط دانست.

کلیدواژه‌ها: تالشی، پیشوند، پیشوندهای فعلی

مقدمه

رشته کوه تالش بخشی از سلسله کوه‌های شمالی ایران است که حوادث تاریخی عهد قاجار آن را دو نیم کرده است (بازن ۱۳۶۷: ۱۵). شاید این رشته کوه در مقایسه با زبان، مردم و سرزمین تالش از شهرت بیشتری برخوردار باشد. وقتی سخن از تالش به میان می‌آید مراد سرزمینی است در سواحل غربی دریای خزر که از شمال تالاب‌انزلی تا دلتاها و مصب رودخانه کورا امتداد دارد (رهنمایی ۱۳۸۰: ۹). زبان تالشی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که بنویست آن را در گروه زبان‌ها و گویش‌های سواحل دریای خزر معرفی می‌کند (بنویست ۱۹۵۲: ۳۱). تالشی را می‌توان به سه دسته شمالی، جنوبی و مرکزی تقسیم‌بندی کرد؛ اگرچه در یک نگرش کلی‌تر به دو دسته شمالی و جنوبی نیز تقسیم کرده‌اند (پارشاطر ۱۳۳۶: ۳۵). هریک از این دسته‌ها نیز دارای گونه‌های مختلف‌اند.

بیکره کار ما در این تحقیق براساس تالشی جنوبی و گونه آلیانی است. آلیان دهستانی است کوهپایه‌ای از توابع شهرستان فومن که میان ماسال و ماسوله واقع است. نمونه‌ها برگرفته از واژه‌ها، اصطلاحات و حکایت‌هایی است که از زبان مردان و زنان چهل تا شصت ساله شنیده شده و ضبط شده است.

پیشوندهای هفتگانه و چهارگانه

مشهورترین پیشوندهای فعلی تالشی عبارت‌اند از: آ- [â-]، بر- [bar-]، پ- [pe-]، جی- [ji]، د- [da-]، وی- [vi-]، زو- [ru-].

در میان هفت پیشوند یاد شده چهار پیشوند آ- [â-]، پ- [pe-]، د- [da-] و وی- [vi-]، علاوه بر این که نزد گویشوران شناخته شده‌ترند، براساس یک تحقیق علمی از بسامد بیشتری نیز نسبت به دیگر پیشوندها برخوردارند. چگونگی کاربرد این پیشوندها را در نمونه‌های زیر، که براساس گویش جنوبی و گونه آلیانی است، می‌توان دید:

کرده [kard-e] (کردن)

آکرده [â-kard-e] (بازکردن)

پکرده [pe-kard-e] (۱. پاشیدن، ۲. فرافرستادن)

دکرده [da-kard-e] (بستن)

ویکرده [vi-kard-e] (ریختن)

چکه [čak-e] (شکستن) (لازم)

آچکه [â-čak-e] (بازشکستن)

پچکه [pe-čak-e] (فراشکستن)

دچکه [da-čak-e] (در چیزی شکستن)

ویچکه [vi-čak-e] (فروشکستن)

چینده [čind-e] (چیدن)

آچینده [â-čind-e] (بازچیدن)

پچینده [pe-čind-e] (گرد آوردن)

دَچینه [da-čind-e] (در چیزی چیدن)
ویچینه [vi-čind-e] (۱. فروچیدن، ۲. فروبستن)

گَرده [gard-e] (گشتن)
اگرده [â-gard-e] (بازگشتن)
پگرده [pe-gard-e] (فراگشتن)
دگرده [da-gard-e] (متمایل شدن)
ویگرده [vi-gard-e] (فروگشتن)

نمونه‌های زیر نیز چگونگی کاربرد سه پیشوند دیگر را نشان می‌دهد:

کَرده [kard-e] (کردن) (متعدی)
برکرده [bar-kard-e] (بیرون کردن)
جیکَرده [ji-kard-e] (۱. گستردن، ۲. فروکردن)
رُوکرده [ru-kard-e] (فروفرستادن)

شِه [š-e] (رفتن) (لازم)
برشِه [bar-š-e] (بیرون رفتن)
جیشِه [ji-š-e] (زیر فرورفتن، زیر خزیدن)
رُوشِه [ru-š-e] (فرورفتن، به پایین رفتن)

وَشته [vašt-e] (جستن، پریدن)
بروَشته [bar-vašt-e] (بیرون جستن)
جیوَشته [ji-vašt-e] (در رفتن)
رُووَشته [ru-vašt-e] (فرو رفتن)

وازنده [vâzənd-e] (جهانندن، پراندن)
بروازنده [bar-vâzənd-e] (بیرون پراندن، بیرون راندن)
جیوازنده [ji-vâzənd-e] (رها کردن)
رُووازنده [ru-vâzənd-e] (فروجهانندن، فروراندن)

ساختار اصلی پیشوندهای فعلی

ساختار امروزی این پیشوندها همان‌گونه است که پیش از این گفته شد؛ اما با بررسی نمونه‌ها و دقت نظر بیشتر می‌توان به تحولاتی در آنها پی برد. به نظر می‌رسد که همه این پیشوندها، در گذشته، به همخوان لرزشی [r] ختم می‌شده‌اند که، به مرور زمان، از گردونه زبان خارج شده است. با وجود این، در پاره‌ای موارد حضور آن را می‌توان مشاهده کرد. به عنوان مثال، در پیشوند بر [bar-] هنوز این همخوان باقی‌مانده است و ما در پیکره کار خود حتی یک نمونه از این پیشوند را با حذف [r] نیافتیم، مانند:

برکرده [bar-kard-e] (بیرون کردن)

برورده [bar-var-d-e] (بیرون آوردن)

برگنده [bar-gend-e] (بیرون انداختن)

بروازنده [bar-vāzənd-e] (بیرون پراندن، بیرون راندن)

بروشته [bar-vašt-e] (بیرون جستن)

برورده [bar-var-d-e] (بیرون آوردن)

برسُوئه [bar-su-e] (قاییدن)

برمه / بُرومه [bar-(u)m-e] (بیرون آمدن)

اما پیشوند «پ-» [pe-] را باید بازمانده‌ای از پیشوند [para-] فارسی باستان دانست که در فارسی میانه به صورت [frāz-] دیده می‌شود و این خود، از نظر تاریخی، دلیلی بر وجود همخوان [r] در شکل تالشی این پیشوند است. از سوی دیگر در تالشی امروزی نیز به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که در آن پیشوند «پ-» [pe-] با همخوان [r] آمده است.

پرادوئه / پرادوئه [per-ādu-e] (فرافرستادن)

پراکرده / پراکرده [per-ākard-e] (۱. فرافرستادن، ۲. بالا زدن)

پرمه / پرومه [per-(u)m-e] (بالا آمدن، برآمدن)

پرورده [per-var-d-e] (بالا آوردن، استفرغ کردن)

پرگنده [per-gend-e] (بالا انداختن، به بالا پرت کردن)

پیشوند «جی-» [ji-] هم شاید بازمانده‌ای از [hačaaaziri] فارسی باستان باشد که در فارسی امروزی به شکل «زیر» دیده می‌شود. از سوی دیگر، واژه جیر [jir] در تالشی به

معنی «زیر» یا «پایین» است که می‌تواند بیانگر حذف همخوان [r] در ساختمان این پیشوند باشد.

پیشوند دَ - [da-] بی‌شک بازمانده‌ای از پیشوند [andar-] فارسی میانه است که در فارسی امروزی به صورت «در» درآمده است. نمونه‌هایی با همخوان [r] هنوز در تالشی به کار می‌رود:

دَرَنجَنده [dar-an]and-e (در چیزی بریدن، با چیزی بُرنده خرد کردن)

دَرشکُوئه [dar-əʃku-e] (در شکافتن، شکافتن به قصد داخل شدن)

دَرَوَرده [dar-ward-e] (وارد کردن، داخل کردن)

دَرمه / دَرُومه [dar-(u)m-e] (وارد شدن، داخل شدن)

در خصوص پیشوند وی- [vi-] (= فرو، فرود) هم نمونه‌هایی در تالشی وجود دارد که بیانگر حذف همخوان [r] است، مانند:

ویرَنجَنده [vir-an]and-e (خرد کردن و فرو ریختن)

ویرشکُوئه [vir-əʃku-e] (شکافتن و فرو ریختن)

ویرَوَرده [vir-ward-e] (فرود آوردن)

ویرمه [vir-m-e] (فرود آمدن)

در مورد پیشوند آ- [â-]، اگرچه به سادگی نمی‌توان حکم کرد، نمونه‌هایی می‌توان یافت که در آن [r] ظاهر می‌گردد، مانند:

آرَوَرده [âr-ward-e] (رام کردن)

آرَشونده [âr-əʃund-e] (زیر و رو کردن)

آرگِنده [âr-gend-e] (سقط کردن)

آرمه [âr-m-e] (رام شدن)

درباره پیشوند رو- [ru-]، که مفهومی قریب به پیشوند وی- [vi-] دارد، تنها از روی یک نمونه می‌توان به وجود همخوان [r] اشاره کرد و آن هم فعل «رورگنده» [rur-gend-e] (فروافکندن) است که به صورت «رویگنده» [ruy-gend-e] نیز به کار می‌رود. البته ابدال همخوان [r] به [y] در تالشی معمول است.

معانی پیشوندهای فعلی

۱. پیشوند آ - [â-]

این پیشوند، که بازمانده‌ای از زبان‌های باستانی است، امروزه مفهوم خود را در زبان فارسی از دست داده است، ولی حضور آن را در افعالی مانند «آوردن»، «آمدن»، «آکندن» و «آمیختن» می‌توان مشاهده کرد. این پیشوند در تالشی اغلب در مفاهیم زیر به کار می‌رود:

الف) «باز»، «مکرر»، «دوباره» و نظایر آن، مانند:

بخشه [baxš-e] (بخشیدن، دادن): آبخشه [â-baxš-e] (باز بخشیدن، مکرر بخشیدن)

لیشته [liš-t-e] (لیسیدن): آلیشته [â-lišt-e] (باز لیسیدن، مکرر لیسیدن)

گِته [get-e] (گرفتن): آگته [â-get-e] (بازگرفتن)

نشوئه [nəšu-e] (نشانیدن): آنشوئه [â-nəšu-e] (باز نشانیدن، دوباره نشانیدن)

گَرده [gard-e] (گشتن): آگَرده [â-gard-e] (بازگشتن)

مَنده [mand-e] (ماندن): آمند [â-mand-e] (باز ماندن، بازایستادن)

ب) در مفهوم «بر روی» یا «سطح»، مانند:

تاشه [tâš-e] (تراشیدن): آتاشه [â-tâš-e] (سطح چیزی را تراشیدن)

تاوه [tâv-e] (تابیدن، حرارت دادن): آتاوه [â-tâv-e] (سطح چیزی را حرارت دادن)

کِرنده [kərənd-e] (کشیدن): آکِرنده [â-krənd-e] (بر زمین کشیدن)

کِلاشه [kəlâš-e] (جویدن): آکلاشه [â-klâš-e] (سطح چیزی را جویدن)

تَنده [tand-e] (تنیدن): آتَنده [â-tand-e] (بر سطح چیزی تنیدن)

پ) گاه علاوه بر اینکه مفهوم پیشوندی خود را حفظ می‌کند، به فعل مفهوم یا مفاهیم مستقل تری نیز می‌بخشد:

برشته [bərešt-e] (برشتن): آبرشته [â-brešt-e] (۱. باز برشتن، ۲. سرخ کردن، ۳. بودادن)

خُونده [xund-e] (خواندن): آخونده [â-xund-e] (۱. باز خواندن، ۲. طعنه زدن)

دُوئه [du-e] (دادن): آدوئه [â-du-e] (۱. باز دادن، ۲. فرستادن، ۳. فرسودن)

کُوئه [ku-e] (کوبیدن): آکُوئه [â-k(k)u-e] (۱. باز کوبیدن، ۲. دmq کردن)

ت) در پاره‌ای موارد به طور کلی مفهوم پیشوندی خود را از دست می‌دهد:

به [b-e] (بودن): آبه [â-b-e] (۱. شدن، ۲. باز شدن، گشوده شدن)

زُونوسه [zunuŋ-e] (دانستن): آزونوسه [â-zunuŋ-e] (شناختن)

سِیه [si-e] (سوختن): آسیه [â-si-e] (۱. خسته شدن، ۲. خشک شدن (مایعات))

ث) در برخی موارد نیز، علاوه بر دادن مفهوم پیشوندی به فعل، معنی آن با فعل ساده یکی است. به عبارت دیگر، امروزه همانند یک فعل ساده به کار می‌رود، مانند:

تِرکه [tərak-e] (ترکیدن): آترکه [â-trak-e] (۱. باز ترکیدن، ۲. ترکیدن)

چَکه [čak-e] (شکستن): آچکه [â-čak-e] (۱. باز شکستن، ۲. شکستن)

راسِنده [rāsənd-e] (رساندن): آراسنده [â-rāsənd-e] (۱. باز رساندن، ۲. رساندن)

شُونده [šund-e] (پاشیدن): آشونده [â-šund-e] (۱. دوباره پاشیدن، ۲. پاشیدن)

۲. پیشوند پ- [pe-]

چنان‌که گفته شد این پیشوند بازمانده‌ای از پیشوند [para-] در فارسی باستان است که در واژه [paraita-] «فرارفته» دیده می‌شود. این پیشوند در تالشی نیز به مفهوم «فرا» یا «بالا» است:

تِله [til(l)-e] (دویدن): پتِله [pe-til-e] (فرا دویدن)

شِه [š-e] (رفتن): پشه [pe-š-e] (فرارفتن)

گَرده [gard-e] (گشتن): پگرده [pe-gard-e] (به بالا برگشتن)

وَشته [vašt-e] (پریدن): پوَشته [pe-vašt-e] (فرا پریدن)

وَرده [vard-e] (آوردن): پوَرده [per-vard-e] (بالا آوردن)

این پیشوند گاهی نیز مفهوم اصلی خود را از دست می‌دهد، مانند:

به [b-e] (بودن): پیه [pe-b-e] (ریختن) (لازم)

چِپنده [čind-e] (چیدن): پچپنده [pe-čind-e] (گرد آوردن)

کِشته [kəšt-e] (کشتن): پکشته [pe-kəšt-e] (فروکش کردن)

تارِه [târ-e] (غارت کردن): پتاره [pe-târ-e] (غارت کردن)

۳. پیشوند د- [da-]

این پیشوند در اصل به مفهوم «در» یا «داخل» است:

تاوه [tâv-e] (تابیدن): دتاوه [da-tâv-e] (در چیزی تابیدن، تابیدن در)
چینده [čind-e] (چیدن): دچینده [da-čind-e] (در چیزی چیدن، چیدن در)
لیشته [lišt-e] (لیسیدن): دلیشته [da-lišt-e] (در چیزی لیسیدن، لیسیدن در)
لکه [lak(k)-e] (افتادن): دلکه [da-lak-e] (در چیزی افتادن، افتادن در)
خته [xət-e] (خوابیدن): دخته [da-xət-e] (خوابیدن در)
اومه [um-e] (آمدن): درمه / دزومه [dar-(u)m-e] (داخل شدن)
ورده [vard-e] (آوردن): درورده [dar-var-d-e] (داخل کردن، وارد کردن)

پیشوند [da-] نیز گاهی مفهوم اصلی خود را از دست می‌دهد و فعل دارنده آن در مفهوم فعلی ساده یا مرکب ظاهر می‌شود؛ مانند:

بخشه [baxš-e] (بخشیدن): دبخشه [da-baxš-e] (بخشیدن)
خونده [xund-e] (خواندن): دخونده [da-xund-e] (صدا زدن)
رسه [ras-e] (رسیدن): درسه [da-ras-e] (درک کردن)
مَرده [mard-e] (مردن): دمَرده [da-mard-e] (۱. خاموش شدن، ۲. بیخ زدن)
وازنده [vâzənd-e] (پراندن): دوازنده [da-vâzənd-e] (گریزاندن، فراری دادن)

۴. پیشوند وی- [vi-]

معنی اصلی این پیشوند معادل «فرو» یا «فرو» است و در تالشی نقطه مقابل پیشوند [pe-] است:

برده [bard-e] (بردن): ویبرده [vi-bard-e] (فرو بردن، بلعیدن)
به [b-e] (بودن): ویبه [vi-b-e] (فرو ریختن)
تاشه [tâš-e] (تراشیدن): ویتاشه [vi-tâš-e] (فرو تراشیدن)
تيله [til(l)-e] (دویدن): ویتيله [vi-til-e] (فرو دویدن)
دُوشه [duš-e] (دوشیدن): ویدوشه [vi-duš-e] (فرو دوشیدن)
ژنده [žand-e] (زدن): ویژنده [vi-žand-e] (فرو زدن، فرو کردن)

شِه [š-e] (رفتن): ویشه [vi-š-e] (فرورفتن)
لاکِنده [lâkənd-e] (انداختن): ویلاکِنده [vi-lâkənd-e] (فروانداختن)

این پیشوند نیز همانند دیگر پیشوندهای چهارگانه از مفهوم اصلی خود عدول می‌کند، مانند:

سُوئه [su-e] (سابیدن): ویسوئه [vi-s(s)u-e] (بر زمین کشیدن)
گِته [get-e] (گرفتن): ویگِته [vi-get-e] (بازگرفتن، پس گرفتن)
مَرده [mard-e] (مردن): ویمَرده [vi-mard-e] (بی حال شدن، بی حس شدن)
مَنده [mand-e] (ماندن): ویمَنده [vi-mand-e] (ایستادن)

۵. پیشوند جِه - [ji-]

این پیشوند تقریباً نزدیک به مفهوم پیشوند [vi-] است و، به طور دقیق‌تر، مترادف واژه «زیر» است:

ژَنده [žand-e] (زدن): جیژنده [ji-žand-e] (فروکردن)
شِه [š-e] (رفتن): جیشه [ji-š-e] (فرورفتن)
نُوئه [nu-e] (گذاشتن): جینوئه [ji-nu-e] (زیر چیزی گذاشتن)
تاشه [tâš-e] (تراشیدن): جیتاشه [ji-tâš-e] (زیر چیزی را تراشیدن)

این پیشوند، در بسیاری موارد، با از دست دادن مفهوم اصلی خود همراه فعل می‌آید، مانند:

پَره [par-e] (پريدن): جیپره [ji-par-e] (ناگهان پريدن)
کَرده [kard-e] (کردن): جیکرده [ji-kard-e] (گستردن)
گِته [get-e] (گرفتن): جیگِته [ji-get-e] (کوتاه کردن)
وَشته [vašt-e] (پريدن): جیوَشته [ji-vašt-e] (رها شدن، در رفتن)

۶. پیشوند بِر - [bar-]

این پیشوند به معنی «بیرون» است و نقطهٔ مقابل پیشوند [da-] است:
شِه [š-e] (رفتن): برشه [bar-š-e] (بیرون رفتن، خارج شدن)

کرده [kard-e] (کردن): برکرده [bar-kard-e] (بیرون کردن)
اُومه [um-e] (آمدن): برمه / برومه [bar-(u)m-e] (بیرون آمدن، خارج شدن)
وازنده [vâzənd-e] (پراندن): بروازنده [bar-vâzənd-e] (بیرون پراندن، بیرون راندن)
وَشته [vašt-e] (پريدن): بروشته [bar-vašt-e] (بیرون پريدن)
وَرده [vard-e] (آوردن): برورده [bar-ward-e] (بیرون آوردن)

۷. پیشوند رو - [ru-]

این پیشوند در معنی «فرو» تقریباً با پیشوند [vi-] هم معنی است، با این تفاوت که بیشتر به مفهوم «به سوی پایین» یا «به جانب پایین» است:
شه [š-e] (رفتن): رُوشه [ru-š-e] (فرورفتن، به سوی پایین رفتن)
کرده [kard-e] (کردن): روکرده [ru-kard-e] (فروفرستادن، به پایین فرستادن)
لکه [lak(k)-e] (افتادن): رولکه [ru-lak-e] (فروافتادن)
ورده [vard-e] (آوردن): روورده [ru-ward-e] (فروبردن، بلعیدن)

پیشوندهای مضاعف

پیشوند مضاعف پیشوند دومی است که بر سر یک فعل پیشوندی می‌آید. به عبارت دیگر، برخی از افعال پیشوندی می‌توانند دوباره پیشوند بگیرند. البته، براساس مطالعات ما، این تنها در مورد پیشوندهای آ- [â-]، پ- [pe]، و وی- [vi-] صدق می‌کند؛ مانند:
گِته [get-e] ← آگته [â-get-e] ← پراگته [per-â-get-e]، ویراگته [vir-â-get-e].
به [b-e] ← آبه [â-b-e] ← پرابه [per-â-b-e]، ویرابه [vir-â-b-e].
دُوئه [du-e] ← آدُوئه [â-du-e] ← پرادُوئه [per-â-du-e]، ویرادُوئه [vir-â-du-e].
کرده [kard-e] ← آکرده [â-kard-e] ← پراکرده [per-â-kard-e]، ویراکرده [vir-â-kard-e].
گارَدنده [gârdənd-e] ← آگارَدنده [â-gârdənd-e] ← پراگارَدنده [per-â-gârdənd-e]،
ویراگارَدنده [vir-â-gârdənd-e].

لازم به ذکر است که ترتیب وندافزایی در این پیشوندها همیشه به همین ترتیب است؛ یعنی پیشوند [â] در کنار فعل قرار می‌گیرد.

فرایندهای واجی در پیشوندها و افعال پیشوندی

برخی از پیشوندها، هنگام افزوده شدن به افعال ساده، دچار تحولات واجی می‌شوند. مثلاً واکه پایانی پیشوند [ji-]، یعنی [i]، در برخورد با همخوان آغازی خ [x]، در افعال ساده به [ə] بدل می‌گردد: خته [xət-e] ← جخته [jə-xət-e] به جای جیخته [ji-xət-e]؛ و یا واکه پایانی [e] در پیشوند [pe-]، در برخورد با همخوان آغازی گ [g]، در افعال ساده به [i] تبدیل می‌شود: گته [get-e] ← پیگته [pi-get-e] به جای پگته [pe-get-e]؛ البته در برخی از گونه‌های تالشی بدون تغییر باقی می‌ماند.

علاوه بر پیشوندها، بعضی از افعال نیز دچار تغییر واجی می‌شوند. مثلاً واکه [u] گاهی در آغاز افعال در برخورد با هریک از پیشوندها حذف می‌شود، مانند: اومه [um-e] ← آرمه [âr-m-e]، پرمه [per-m-e]، ویرمه [vir-m-e]، دَرمه [dar-m-e] و بَرمه [bar-m-e]؛ هرچند که در برخی از گونه‌ها بی‌تغییر باقی می‌ماند. واکه [ə] بعد از همخوان آغازی فعل، با افزوده شدن پیشوند فعلی، حذف می‌شود؛ مانند:

کِرنده [kərənd-e] ← آکِرنده [â-krənd-e]

بِرشته [bərəšt-e] ← آبِرشته [â-brešt-e]

تِرکه [tərak-e] ← آتِرکه [â-trak-e]

همخوان [b] آغازی افعال هم در برخورد با پیشوندها به [v] بدل می‌شود؛ مانند: بَرده [bərd-e]: آورده [â-vərd-e]، پورده [pe-vərd-e]، دَورده [da-vərd-e]، وِورده [vi-vərd-e].

واکه [i] نیز در آغاز افعال، با افزوده شدن پیشوندها، به [a] تبدیل می‌گردد: اینجَنده [inʃand-e]، دَرَنجَنده [dar-anʃand-e]، وِیرَنجَنده [vir-anʃand-e].

بسامد پیشوندها

برای دستیابی به نتیجه‌ای مشخص در خصوص کاربرد پیشوندهای فعلی تالشی، جهت پرهیز از اطالۀ کلام، نمونه‌های گردآمده را در زیر به صورت جدولی می‌آوریم تا جایگاه هریک از این پیشوندها معین گردد. در میان پیشوندهای هفتگانه، همان طور که در

جدول بسامد پیشوندهای تالشی

پیشوند	تعداد	درصد
آ-	۶۹	٪۲۳
وی-	۶۴	٪۲۱/۳۳
پ-	۶۱	٪۲۰/۳۳
د-	۵۴	٪۱۸
جی-	۳۲	٪۱۰/۶۶
بر-	۱۰	٪۳/۳۳
رؤ-	۱۰	٪۳/۳۳

جدول آمده است، دو پیشوند آ- و وی- پرکاربردترین و دو پیشوند بر- و رؤ- کم‌کاربردترین پیشوندهای فعلی در تالشی اند.

نتیجه

در تالشی هفت پیشوند فعلی وجود دارد که کاربرد چهار پیشوند آ- [â]، وی- [vi-]، پ- [pe-] و د- [da-] در مقایسه با سه پیشوند جی- [ji-]، بر- [bar-] و رو- [ru-] مشهودتر است. با تعمق در نمونه‌ها می‌توان پی برد که همه این پیشوندها در گذشته به همخوان [r] ختم می‌شده‌اند که، به مرور زمان، از ساختمان زبان خارج شده است. این خود بیانگر ارتباط این پیشوندها با نظایر آنها در زبان‌های ایرانی پیش از اسلام است.

منابع

- بازن، مارسل (۱۳۶۷). تالش (منطقه‌ای قومی در شمال ایران). ترجمه دکتر مظفرامین فرشچیان. جلد ۱. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). «کجایی تالش و کیستی تالشان». مجله تحقیقات تالش. سال اول، شماره اول.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۶). «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی». مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. شماره ۲.
- BENVENISTE, E. (1952). "Langue indo-européenne". dans *Les langues du monde* (sous la direction de A. Meillet et M. Cohen). Paris: CNRS.